

آکادمیین شرعی جوزجانی

از خاطرات حیات سیاسی من 48 سال قبل

زبان و فرهنگ اوزبیک و تورکمن در افغانستان چگونه رسمیت یافت؟

چگونه برای نخستین بار حقوق فرهنگی ملیتهای اوزبیک و تورکمن به رسمیت شناخته شد
و آنها حق آموزش در مکاتب و نشر اخبار به زبان مادری را به دست آوردند؟

چگونه برای نخستین بار حقوق فرهنگی ملیتهای اوزبیک و
تورکمن به رسمیت شناخته شد
و آنها حق آموزش در مکاتب و نشر اخبار به زبان مادری را به
دست آوردند؟

در سال 1382 زبان اوزبیکی در ماده 16 قانون اساسی افغانستان به
رسمیت شناخته شد و بعداً دولت افغانستان روز 19 میزان سال 1399

را به صفت روز ملی زبان اوزبیک و روز دیگر را روز ملی زبان ترکمنی اعلان کرد.

اینها تصامیم ارزنده بودند. البته هر گامی که در جهت انکشاف و ترویج زبان مادری برداشته شود قابل تمجید و سزاوار تحسین است، اما حقیقت روشن و انکار ناپذیر این است که قبل از تحول 7 ثور نشر مقالات در اطراف تاریخ و فرهنگ ملیتهای محروم افغانستان بخصوص اقوام اوزبیک و ترکمن در مطبوعات دولتی مجاز نبود و به شدت سانسور میگردید. چنانچه این جانب که مدیر تدقیق و درعین حال مدیر مسئول شماره فوق العاده ایام جمعه روزنامه اصلاح بودم، به دلیل نوشتن سر مقاله ای با عنوان «منطق شکم» با تخلص تورکی «ایلدرم» (آذرخش) از وظیفه برکنار و به صفت عضو دایرة المعارف آریانا که حیثیت گدام مأمورین را داشت فرستاده شدم و ممنوع القلم گردیدم. بعد از آن هر نوشته و ترجمه ام با یکی از نامهای مستعار (اونگوت، شبتاب، شباهنگ، شباویز، معصوم زاده و غیره) نشر میشد.

اما باگذشت مدتها در سال 1357 زبان اوزبیک یکی یکجا با زبان تورکمنی بر اساس فرمان شماره چهارم دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان که در شماره فوق العاده 7 جوزای سال 1357 جریده رسمی نشر گردید و توسط رسانه های رسمی اعلان شد، یکجا با السنة اقوام دیگر افغانستان به رسمیت شناخته شد و احکام این فرمان با اقدامات نسبتاً وسیع در عرصه های تعلیم و تربیه، مطبوعات و هنر عملاً تحقق یافت.

این پروسه که نتیجه مبارزات عدالتخواهانه و حق طلبانه دراز مدت ملت ما بود تا کنون هم ادامه دارد و نتایج درخشانی به بار آورده که مایه افتخار خلق ما است.

چون نسل جوان کشور غالباً ازین جریان اطلاع دقیق ندارند، من خواستم به صفت شاهدهی که در جریان حوادث قرار داشتم، در زمینه معلومات دقیق و مستند برای شان تقدیم بدارم .

نخستین اعتراف رسمی از طرف یک دولت به حقوق فرهنگی اوزبیک و تورکمن و سایر اقوام و ملیتهای افغانستان:

این جانب بعد از تقرر به صفت وزیر عدلیه، لوی ثارنوال و سرپرست ستره محکمه افغانستان، در اواخر ماه ثور سال 1357 به مقصد اجرای برخی امور نزد نور محمد تره کیمنشی عمومی کمیته مرکزی حزب و رئیس شورای انقلابی رفتم. ببرک کارمل معاون شورای انقلابی نیز در آنجا حضور داشت . پس از امضای اوراق رسمی، مسأله ضرورت تأمین حقوق فرهنگی اقوام و ملیتهای افغانستان را که به سلسله اهداف دولت دموکراتیک ملی افغانستان در مرامنامه حزب مسجل بود طرح کردم:

- رفیق تره کی، اگر اجازه بدهید میخوام یک موضوع خیلی مهم را خدمت تان طرح نمایم؟

تره کی گفت، بفرمایید، بگویید!

گفتم هم شما وهم کارمل صاحب میدانید که در طول تاریخ چند صد ساله افغانستان حزب ما اولین سازمان سیاسی بود که ضمن مبارزه طبقاتی مبارزه برضد ستم ملی در جهت تأمین تساوی حقوق ملیتها را نیز طرح

کرد و درین ساحه گامهای استوار برداشت. چنانچه دوشعر اوزبیکي و یک شعر تورکمني در جریده «خلق» نشر شد و نیز در جریده «پرچم» طی مقالات متعدد از فرهنگ و حقوق ملی خلقهای اوزبیک و تورکمن به شدت دفاع به عمل آمد و این کار در تاریخ افغانستان بی سابقه بود.

رفقای محترم، من پیشنهاد میکنم برطبق وعده ای که در مرامنامه حزب داده شده، یک تصمیم جدی و قانونی در زمینه اعطای حق نشرات و آموزش به زبانهای مادری ملیتهای مظلوم گرفته شده به منصفه عمل قرار داده شود. مردم نیز همین انتظار را دارند.

تره کی گفت پیشنهاد معقول است، کارمل نیز تأیید کرد و به من دستوردادند تا وزارت عدلیه متن فرمانی را تا فردا درین زمینه تهیه کند.

فردا متن فرمان خوانده شد، کارمل گفت به اجازه رفیق تره کی من آنرا امشب میخوانم و تعدیلاتی در آن وارد میکنم. تره کی هم موافقه کرد و گفت فردا بیایید.

فردا کارمل متن تعدیل شده فرمان را به من داد. با یک مقدار تعدیلات، جملاتی هم به مقدمه افزوده شده بود. گفتم موضوع آموزش به زبان مادری حذف شده؟ گفت این مسأله در مضمون کلی فرمان افاده خود را یافته است. تره کی گفت شما مرامنامه و رهنمودهای «وظایف انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان» را اساس کار خود قرار بدهید و به تطبیق آن شروع کنید.

متن فرمان بعد از طی مراحل قانونی به نام « فرمان شماره چهارم جمهوری دموکراتیک افغانستان » در شماره فوق العاده جریده رسمی مورخ 7 جوزای سال 1357 به نشر رسید و مورد تطبیق قرار گرفت.

این نخستین فرمان رسمی یک دولت دموکراتیک بود که به کلتور و فرهنگ ملی تمام اقوام و ملیتهای ساکن افغانستان از جمله ملیتهای اوزبیک و تورکمن رسماً اعتراف میکرد و برای تطبیق آن رهنمود میداد.

در مقدمه فرمان شماره چهارم گفته میشود که { خاندان مستبد حاکم بر اساس سیاست «نفاق بینداز و حکومت کن» با تشدید نفاق ملی، همبستگی و وحدت خلق کشور ما را ضعیف نمود و در موقف خصومت جنون آمیز با اقوام و ملیتهای افغانستان قرار گرفت و با زبان و فرهنگ آنان به شیوه کاملاً فاشیستی و ضد دموکراتیک برخورد نمود و انواع تحقیر و توهین را بر اقوام و ملیتهای افغانستان روا داشت. در نتیجه این سیاست نفاق افغانانه مبتنی بر تبعیض و ستم نه تنها کوچکترین اقدامی در جهت تکامل فرهنگ و زبان آنان صورت نگرفت، بلکه عمداً از رشد طبیعی آن جلوگیری به عمل آمد}.

و تصریح میشود که

{به تأسی از خطوط اساسی وظایف انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان که تأمین شرایط لازم را برای تکامل هنر و ادبیات، تعلیمات و نشرات بزبانهای مادری اقوام و ملیتهای ساکن افغانستان در جهت ایجاد یک سیستم مترقی فرهنگی ملی و حل دموکراتیک مسأله ملی از جمله

اهداف خود قرارداد است، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان فیصله نمود تا در جهت رسیدن به این هدف گامهای عملی برداشته شود و عجالتاً وزارت‌های رادیو تلویزیون و اطلاعات و کلتور به نشر پرو گرام‌هایی به زبان‌های اوزبیک، تورکمنی، بلوچی و نورستانی و معرفی کلتور تمام اقوام و ملیت‌های وطن واحد مان افغانستان عزیز آغاز نمایند}.

ما موضوع چگونگی تطبیق فرمان را بررسی کرده به این نتیجه رسیدیم که تطبیق فرمان باید در سه ساحه شروع شود:

1- در ساحه مطبوعات؛

2- در ساحه معارف؛

3- در ساحه هنر و موسیقی.

1- در ساحه مطبوعات

تأسیس جراید و آغاز نشرات رادیو- تلویزیون:

در ساحه مطبوعات با پیشنهاد تأسیس هفته نامه ای به زبان‌های اوزبیک و تورکمنی به نام «یولدوز» به رهبری حزب و دولت مراجعه شد. تره کی، کارمل و امین هر سه وجود داشتند. پس از بررسی پیشنهاد را به اتفاق پذیرفتند. تره کی شخصاً به بارق شفیع وزیر اطلاعات و کلتور هدایت داده گفت: د اوزبکی جریدی په نشرولو کی له ملگری شرعی سره جدی مرسته وکړی.

همان روز با وزیر اطلاعات و کلتور در مورد طبع و نشر جریده یولدوز توافق حاصل شد. او قبول کرد جریده را با قطع متوسط و بعداً به قطع کلان به سبب اصلاح و هیواد، به سیستم جدید لینوتایپ نشر کند و در زمینه به کارمندان مطبوعه دولتی رهنمودهای لازم داد.

چون در حلقه تنگ سیاست ضد ملی دولتهای گذشته، ما از هرگونه امکان برای آموزش زبان مادری محروم بودیم، حتی یک شعر و یا مقاله هم، غیر از دو- سه مورد تصادفی به زبان اوزبیک و یا تورکمنی طی دوران حکومتهای سرداران در نشرات دولتی اجازه نشر نیافته بود، نشر یک جریده مستقل ما را در یک مرحله آزمونی قرارداد. ما باید نشرات را به زبان اوزبیک از صفر شروع میکردیم. بنابراین یافتن یک شخصی که در عین احاطه به زبان مادری و آشنایی به امور طباعتی بتواند به صفت مدیر مسئول نشرات جریده راسامان بدهد و مضامین وارده را بعد از تصحیح به نشر برساند، یک امر ضروری بود. غیر از چند تن آشنا با دانش، تعداد کسانی هم که بزبان مادری خوانده و نوشته بتوانند به مقیاس مملکت انگشت شمار بود. این حادثه دردآور هیچ وقت از یادم نمیرود که در سال 1965 دو قطعه شعر اوزبیک و یک قطعه شعر تورکمنی در جریده خلق نشر شده بود، دردانشگاه کابل حتی یک نفر هم از محصلان اوزبیک و تورکمن نتوانسته بودند آنها را درست بخوانند.

سرانجام یک شخص با صلاحیت را برای این وظیفه یافتیم. او دوست پر استعداد من شاعر و اهل قلم شاد روان محمد امین اوچقون بود. او

سابقه طولانی کار در مطبوعات داشت و تا چندی قبل به حیث نماینده آژانس باخترا در کوندوز کار میکرد.

مرحوم اوچقون با کمال خورسندی پیشنهاد را پذیرفت. به زودی امر تقرر او را از وزیر اطلاعات و کلتور گرفتم و بعد از چند روز اولین شماره یولدوز از نشر برآمد و پس از دوره های سیاه طولانی سرداران، به مثابه نخستین ستاره درخشان در آسمان فرهنگ اوزبیک و تورکمن که در قعر تاریکیها رانده شده بود، به تلالو آغاز کرد.

چندی بعد صفحات «یولدوز» که یک قسمت آنرا خبرهای رسمی دولت میگرفت، گنجایش نشر اشعار و مقالات را در هر دو زبان اوزبیکی و تورکمنی نداشت و بعضا سبب مناقشات نیز میگردد. بنابراین به رهبری پیشنهاد شد تا براساس این ضرورت، حجم اخبار از 4 صفحه به 8 صفحه افزایش داده شود. پیشنهاد منظور شد، اما امین گفت درین صورت چرا به جای یک جریده دو جریده نشر نمیکنید. یکی به زبان اوزبیکی و یکی به زبان تورکمنی. همچنان جریده ای بزبان بلوچی باید نشر شود.

گفتم این نظر خیلی خوب و معقول است، بسیاری از پرابلمهای ما را حل میکند. پرسیدند نامش را چه میگذارید؟ گفتم «گورش». گفتند مردم این را نمیفهمند و گورش میخوانند، کدام نام دگر پیدا کنید. گفتم خود همین نام به معنی مبارزه است و با اهداف انقلاب میخواند، ما میتوانیم حرف «گ» را به «ک» تبدیل کنیم و «گورش» بخوانیم. تره کی و امین هر دو قبول کردند و سراز هفته نو دو هفته نامه با نامهای «یولدوز»

به زبان اوزبیک و «کورش» به زبان تورکمنی در مطبعة دولتی به نشرات آغاز کردند.

تا اواخر سال 1358 یولدوز به رهبری اوچقون خیلی انکشاف کرد و مورد علاقمندی مردم قرار گرفت. یکی از تاجران ملی مرحوم شهاب الدین یسوی مالک فابریکه مشهور کتان گرگ نشان یک عراده موترفولکس واگن به اداره جریده اهدا کرد.

من شخصا خودم با اوچقون همکاری داشتم. بعد از ظهر روزهای پنجشنبه اوچقون با پروفهای اخبار به دفترم می آمد و من خبرهای رسمی، میکپ جریده و عناوین مقالات را از نظر گذرانده، مضامین زیر عکسها را میخواندم.

یولدوز برای روشنفکران اوزبیک حیثیت یک مکتب کاملاً نوین ادبی را داشت که وسیله تشویق شان به آموزش زبان مادری میگردید و با نشر شعر و نوشته های شان در راه نگارش و ایجاد بزبان مادری تشویق میشدند.

بعد از 6 جدی 1358 که افغانستان با هجوم قوای شوروی اشغال گردید و دولت قانونی جمهوری دموکراتیک افغانستان سقوط داده شده، رهبران به پلچرخ محبوس ساخته شدند، مرحوم اوچقون به عنوان مخالفت با قشون شوروی بعد از نشر یک شعر فارسی شدید اللحن خود به نام «پلنگینه خواها» از وظیفه برکنار شد و به خارج سفر کرد. شعر اوچقون را در آخر مقاله میخوانید.

بعد از آن مدیریت جریده به آخان بیانی سپرده شد . او تا می‌توانست در راه نشر آن مساعی به خرج داد.

چون نشر دو جریده به دو زبان اوزبیکی و تورکمنی در افغانستان برای شورویها خوشایند نبود، به دستور دولت وقت هردو اخبار را به مزار شریف و شبرغان تبعید کرده کارش را به مطابع سربی قدیمی سپردند .

سومین مدیر مسئول عبدالله رویین بود که با مساعی پیگیر نه تنها از سقوط جریده جلوگیری کرد، بلکه کیفیت و تیراژ آنرا نیز بلند برد و برخی از آثار کلاسیک ادبیات اوزبیک از جمله کتاب «مجالس النفاس» و «محبوب القلوب» نوایی را نیز در آن نشر کرد .

چهارمین مدیر مسئول جریده «یولدوز» نویسنده و دانشمند سرشناس استاد نورالله آلتای با قبول انواع مشکلات پیش آمده با احساس مسئولیت ملی نشر جریده را ادامه داد و طی مقاله انتقادی دلسوزانه ای که نشر کرد، طلوع جریده «یولدوز» را به مثابه یک حادثه مهم و فوق العاده ارزیابی کرده با مراجعه به مقام رهبری جنبش و تمام روشنفکران اوزبیک یادآور میشود که چون اکنون تمام امکانات مادی و معنوی در اختیار ماست، وظیفه ماست تا یولدوز را که مظهر افتخارات و زبان خلق اوزبیک است، ازین حالت دشوار بیرون بکشیم و مانند مردمک چشم خود از آن حفاظت به عمل آوریم . اما مقامات مسئول به این موضوع توجه نکردند.

استاد نورالله آلتای در سالهای دشوار بعدی تا هجوم طالبان به نشر «یولدوز» با استفاده از گستدرهم ادامه داد.

ما این خدمات فداکارانه استاد نورالله آلتای را مظهر روحیه عالی وطندوستی و ملت پروری ایشان میدانیم و برای آن ارزش و اهمیت بلند قایلیم و نیز یادآور میشویم که استاد محمد امین کاظمی نیز پژوهشهایی درین زمینه دارند. خوانندگان محترم میتوانند آنها را در صحیفه ایشان بخوانند.

فوتوهای مربوط به مقاله:

یولدوز

اوبزیکات تلکي نشریه سی

نور ۱۳۵۸

جستجوها

زد ست کرو . پلنکینه خو ها
ستا ن ستم میرسد بر کلو ها
خزا ن پر ده آب رخ سبز و گل
چمن داد ه از دست خود رنگ و بو ها
دریغا که بسیار میهن پرستان
بخاک سپه برد ه بس آرزو ها
پاندوه یاران کم کشته مردم
در شا دی بسته شکسته سبو ها
زمین سزد داغ کر دا رنگین
بخون ستم پیشه گان شستشو ها
نکاح ستم تا نما نند نشانی
کنا هست و اما ندن از جستو ها
مپاز ید خود را دکر ای جوانان
مریز ید نزد جهان آبرو ها
نه امید کاری نه امید یاری
ازین مردم دلها ازین مرد ه شو ها
دریغا به فر هنگ مان پشت پازد
چوانا ن آفته زو لید ه مو ها
باین پار سایان آلود ه دامن
تقو هاتقو ها تقو ها تقو ها
چوانان آکنده از سرمه
ستا نند پا داش از آن گینه جو ها
نران یافت او چقون ر مرستکاری
بدین کام سنگین بدین سخت یو ها
به میهن به نیروی مردان کاری
مکر آید آن آب رفته بجو ها

شعرا عتراضی شدیدالحن نخستین مدیر مسئول هفته نامه «یولدوز» شادروان محمد امین اوچقون به زبان فارسی بر هجوم استیلاگرانۀ ارتش سرخ شوروی بر افغانستان مستقل و حامیان او که دریکی از شماره های ماه ثور سال 1358 جریده نشر شد و منجر به برطرفی او گردید.



نخستین شماره هفته نامه «یولدوز» که در تاریخ 300 ساله افغانستان برای اولین بار به زبان اوزبیک و تورکمنی در مطبعة دولتی کابل با حروف سربی در چهار صفحه نشر شد.

در کنار چپ «یولدوز» (ستاره)، دو بیت از علیشیر نوایی چاپ شده که ترجمه آنها چنین است: اگر تو انسانی، آنرا که در غم خلق نیست، در زمره آدم شمار نکن.

اگر دهقان شب و روز از باغ خود پرستاری نکند، نخل نورسیده هم برای او حیثیت هیزم خشک را خواهد داشت.

در صفحه اول هفته نامه عکس نور محمد تره کی منشی عمومی کمیته مرکزی حزب و رئیس شورای انقلابی که این جریده بر اساس فرمان او، امکان نشر یافت و پیام بارق شفيعی وزیر اطلاعات و کلتور چاپ

شده است. همچنان مقاله ای با عنوان «تمام قدرت از آن خلق است» و یک شعر اوزبیکی با عنوان «سرود زمان نوین» از شرعی جوزجانی و در یکی از شماره های بعدی یک قطعه شعر به زبان تورکمنی از شاعری با تخلص «فر» نشر گردیده است.

مدیران مسئول هفته نامه یولدوز

نخستین مدیر مسئول- محمد امین اوچقون



دومین مدیر مسئول- آیکان بیانی



سومين مدير مسئول- عبدالله رويين



چهارمين مدير مسئول- استاد نورالله آلتاي



**کاپی فرمان شماره چهارم نشر شده در شماره 7 جوزای سال 1357
جریده رسمی:**

فرمان شماره چارم جهـهـو ری

دمو کراتیک افغانستان

حکومت ضد ملی ، ضد مردمی و ضد دمو کراتیک داود مستبد که ممثل اراده جاه طلبانه فردی و مدافع منافع غارتگرانه سلاله نادری، این دشمنان سوگند خورده مردم کشور بود ، حقوق و آزا دیهای دموکراتیک مردم را پامال نموده و تا میتوانست حلقه فشار و اختناق را بر آنان تنگتر ساخت .

خاندان مستبد نادری ، داود که در مدت نزدیک به نیم قرن حاکمیت خود شیوه اداری استعماری (نفاق بینداز و حکومت کن) را اساس سیاست خویش قرار داده بود با تشدید نفاق ملی ، همبستگی و وحدت خلق کشور ما را ضعیف نمود و در مو قف خصومت جنون آمیز با اقوام و ملیت های افغانستان قرار گرفت و بازبان و فرهنگ آنان به شیوه کاملاً فاشیستی و ضد دمو کراتیک برخورد نمود انواع تحقیر و توهین را بر اقوام و ملیت های افغانستان روا داشت ، در نتیجه این پالیسی نفاق افکنانه مبتنی بر تبعیض و ستم که منطبق بخواست دشمنان خلق بود نه تنها کوچکترین

اقدامی در جهت تکامل فرهنگی و
زبان آنان صورت نگرفت بلکه عمداً
از رشد طبیعی آن جلوگیری بعمل
آمد .

انقلاب ظفر آفرین (۷) ثور ۱۳۵۷
که طلعه زندگی نوین و سعادت‌بار
خلق کشور است به تمام اشکال
و انواع تبعیض و ستم پایان بخشید
و مردمان کشور را از زنجیر اسارت
سر داران مستبد وارهائید .

بتاسی از خطوط اساسی
وظایف انقلابی جمهوری دموکراتیک
افغانستان که تا مین شرایط لازم
را برای تکامل هنر و ادبیات ،
تعلیمات و نشرات بزبان های مادری
اقوام و ملیت های ساکن افغانستان
در جهت ایجاد یک سیستم مترقی
فرهنگی ملی و حل دموکراتیک
مسئله ملی از جمله اهداف خود قرار
داده است ، حکومت جمهوری
دموکراتیک افغانستان فیصله نمود
تادر جهت رسیدن باین هدف گام

های عملی بر داشته شود و عجلتاً
وزارت های رادیو تلویزیون و
اطلاعات و کلتور به نشر پرو گرام
هایی بزبان های ازبکی - ترکمنی -
بلوچی و نورستانی و معرفی کلتور
تمام اقوام و ملیت های وطن واحد
افغانستان عزیز آغاز نمایند .